دریکی هم زآخرین آن
ورد و آن کنند قراءت کس
قول مجموع صاحب عمل
نیز و شیخین قضا جایز باوت
لیک در دیگران او ماند
دریکی آخرین نخواند کس
نزد بویوسف است جایز قضا
در هدایه نوشت واین باب
کس چگونه نشنید از وی گو
در هدایه بود هو المختار
بود بعید لکن شنید آن
گفت در کافی بزرگ کمال
غیر جایز بود یقین و نه
هر چه های نشسته خواند آن
حکمها کو درست نبود نی
ذکر شده در کتب قاضیخان
هم خلف هم سلف بیان کرده است
قول یک چند قول افضل
بو المعالی رحم بزرگ طاهر
بود و در کون پیشش خلاف
بعض قول آن درست نهاد

قول اجماع بزرگان یعنی
دریکی در رد و اول ادبی
دریکی اولین آیت تا
لیک در مذهب محمد درست
نیز و شیخین هر چهار قضا
در دیگرها را نخواند کس
کر تطوع نشسته کرد تمام
نصف قائم کند از باب ثواب
اینکه در حال شهد کس
فتوی بر این بر نسخ لیکن
هست نیز و لیکن [illegible] روا
سنت فجر مثل واجب دان
نیز اند اخلاص باخو
که باجماع غیر جایز دان
در صلوة المریض آنجا
چون تراویح در رمضان که
گفت در آن کتاب با شبهت
یعنی سنت است با مردان
کرد در شرح خویش تعیین
انقطاع خلاف شد از اصح
هم اصح هم صحیح باز دیاد

می بود در دو آخرین قضا
باد بروی قضا و وی اول
دریکی آخرین نخواند وی
دریکی اولین اگر خواند
دو بنزد محمد است اما
هم دو رکعت قضا است عندهما
کر چه قدرت بدر اشتی لقیام
کر نشسته نماز خواند او
بنشیند چو او نشیند لیس
قائما افتتاح کرد آن
غیر جایز نوشت عندهما
هر که او را نشسته بر خواند
کر کسی غیر عذر سنت فجر
خارج مصر نافله خواند
قبل از این کرده ام تعینها
از نبی سنت مؤکد است
بر رجال آن بود و سنت
رافضی که درست ملت نیست
اولاد را [illegible] دلها
هم گفتند سنت است [illegible]
از قنادر که کرد جز

کرباجماع

کرباجماع صحب پیغامبر
هم کواهی اوست ناقبول
اهل مسجد بست هر شب
میکذارند پنج ترویحات
در تراویح جمعه ترویح
وقت او مختصر کنند یقین
میکنند شرح آنچه هست تفصیل
قول عامه بزرگان بخار
نیز در اجند نسخه تعین است
چار رکعت که خوانده از بار
نیک باشد در آنچه اهل نقل
گفت در مختصر بلا شبهت
ختم قرآن در وی زترک
بعض گفت آنچه خواند شش (در شرح)
در تراویح آنقدر خوانند
حسن از ابو حنیفه با عقل
گفت این قول اصح بدایع
بو المکارم در آخرین فصل
فتوی داده اند در زمان
لیک بو ثابت قاضیخان صحیح
در خلاصه صحیح بوده است

پیش من سنت مؤکده است
بیست رکعت باو مکر قبول
بست کوت نماز بگذارند
در همه رکعتین تسلیمات
لیکن الفصل راحت دان
قبل از وتر باز بعد این
از هدایه اصح همین باشد
در میان عشاء و تر گذار
کر بخواند به پنج تسلیمات
میشود قدر چهار افطار
هست تسبیح مستحب اما
ختم یکبار شد سنت
عاجز از ختم باشد آنکه بجا
در تراویح آنچه کرد امام
قول یک چند صاحب کرم
کاندر این میکنند اهل نقل
چونکه این در همه رمضان
باد کرد از غنیه خوشدل
یا بیک آیت طویل جان
گفت این قول الغیر صحیح
کربدانند بقوم اهل نقل

منکر شرع ضال مبتدع شده است
گفت هم قاضیخان و شیر
غیر سنت و ونزد داریند
بو المکارم که کرد تصحیح
شرع الاسم چهار کوشال
بو المکارم بزرگ اهل سبیل
هم زدن بار [illegible] نیست
از خلاصه صحیح قول این است
نیز جمهور شد که ثابت
خواه تسبیح گفت خواه تهلیل
اصح ای [illegible] فتوا
نهر سیستی قوم آن
بو المکارم نوشت اینجا آن
قول بعض آنکه عشا خواند
بست آیت نوشت [illegible]
از کفایه نیز قاضیخان
میشود قدر جمله قرآن
کرد آیت قصیر اغیار
فتوی داده اند بزرگان زمان
میکنند ترک [illegible]
میکنند ترک ادعیه یقین

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)